

## محمد رضا پهلوی



محمد رضا شاه پهلوی

A handwritten signature in black ink, appearing to be 'محمد رضا پهلوی'.

### امضا

**محمد رضا پهلوی** (۴ آبان ۱۲۹۸ در تهران - ۵ مرداد ۱۳۵۹ در قاهره) واپسین پادشاه ایران بود. او از ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر ایران حکومت کرد. وی در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ و در پی اعتراضات گسترش یافته مخالفان، ایران را برای همیشه ترک کرد و کمتر از یک ماه پس از خروج او، انقلاب ۱۳۵۷ ایران به پیروزی رسید.<sup>[۱]</sup> محمد رضا پهلوی در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۹ خورشیدی (۲۷ ژوئیه ۱۹۸۰ میلادی) در مصر درگذشت.

### زندگی نامه

#### آغاز زندگی و دوره کودکی

او در روز ۴ آبان ۱۲۹۸ (۱ صفر ۱۳۳۸، ۲ عقرب ۱۲۹۸، ۲۶ اکتبر ۱۹۱۹) در تهران به دنیا آمد. پدر او «رضاخان میرپنج سوادکوهی» (بعدها رضاشاه پهلوی) و مادرش تاج الملوک آیرملو (بعدها «ملکه مادر») بود.<sup>[۲]</sup>

محمد رضا از این پدر و مادر، دو خواهر و یک برادر به نامهای شمس (۱۲۹۶-۱۳۷۴)، اشرف (دوقلو با محمد رضا) و علیرضا پهلوی (۱۳۰۱-۱۳۳۳) داشته است.<sup>[۳]</sup>

محمد رضا پس از به سلطنت رسیدن پدرش به مقام ولیعهدی رسید. تحصیل را در مدرسه نظام به همراه بیست نفر از همکلاسی‌های دست چین شده آغاز کرد و از کودکی زبان فرانسوی را نزد پرستار فرانسوی‌اش مادام ارفع آموخت.<sup>[۴]</sup> در دوازده سالگی او را برای ادامه تحصیل به سوئیس فرستادند. او در سوئیس در مدارس "اکل نوول دوشی" و انستیتو لو روزه<sup>[۵]</sup> نزدیک شهر لوزان تحصیل کرد.

## جوانی و ولیعهدی

### سفر به سوئیس

بنا بر صلاح‌دید رضا شاه، محمد رضا در بعدازظهر پانزدهم شهریور ۱۳۱۰ برای ادامه تحصیل به سوئیس اعزام گردید.<sup>[۶]</sup> خانواده او (پدر، مادر، برادر و خواهران) جهت بدرقه وی به شهر انزلی (که در آن هنگام سریعترین راه وصول به اروپا بود) رفته بودند. ولی به لحاظ اینکه هنوز کشف حجاب نشده بود، خواهران و مادر وی به بندر نرفتند. رضاخان تا لحظه‌ای که کشتی در دید بندر را ترک ننمود. علاوه بر اینان حدود یکصد بدرقه کننده دیگر نیز در بندر حضور داشتند.<sup>[۷]</sup>

همراهان وی در این سفر علی‌رضا پهلوی (برادر وی)، حسین فردوست (دوست و همکلاس وی و فرزند یک ستوان معمولی ژاندارمری) تیمورتاش (وزیر دربار) و پسرش مهرپور، دکتر مودب الدوله نفیسی (پیشکار ولیعهد) و مستشارالملک (معلم فارسی ولیعهد) بودند.<sup>[۸]</sup>

کشتی جنگی دولت شوروی به نام پولیان، توسط شوروی اختصاصاً برای مسافرت ولیعهد اعزام شده بود. دولت شوروی به این مناسبت کلیه ایرانیان محبوس در زندانهای شوروی را آزاد نمود. گارد مخصوص استالین، از انزلی تا مرز لهستان ولیعهد و همراهان را اسکورت نمودند. مسیر شوروی، لهستان، آلمان جهت عبور مناسبترین مسیر تشخیص داده شد و سرانجام گروه به مقصد نهایی یعنی لوزان رسیدند.<sup>[۹][۱۰]</sup>

### پانسیون پروفیسور مرسیه

با آنکه قرار بود ولیعهد در دبیرستان له‌روزه تحصیل کند، ولی به علت ناهماهنگی در ثبت نام، به مدت یکسال در مدرسه معمولی "اکل نوول دوشی" تحصیل نمود. در این مدت به علت سطح پائین شبانه روزی این مدرسه، در منزل شخصی به نام پروفیسور مرسیه اقامت نمود. در کتاب ماموریت برای وطنم آمده‌است: در لوزان من و برادرم در یک خانواده سوئیسی زندگی می‌کردیم. رئیس این خانواده مردی بود به اسم مرسیه که سه پسر و دو دختر داشت و من از اقامت و زندگی در بین این خانواده مهربان بسیار لذت می‌بردم. دوستان ایرانی من در مدرسه به طور شبانه روزی بسر می‌بردند و با ما زندگی نمی‌کردند.<sup>[۱۱]</sup>

ولیعهد در طی دوره تحصیل در این مدرسه بارها با دانش آموزان دیگر درگیری فیزیکی پیدا کرده بود.<sup>[۱۲]</sup>

### مدرسه لوروزه



محمدرضای کاپیتان تیم فوتبال مدرسه توپ را در دست دارد. (فردوست نفر اول سمت چپ)

کالج لوروزه (College Rosey) در سال ۱۸۸۰ میلادی در شهرک رول در یک قصر قدیمی پایه گذاری شد. این کالج از کالجهای بسیار معروف و گرانقیمت سوئیس بود و ولیعهد برخلاف دیگر دانش آموزان دارای یک اتاق خواب خصوصی بود. در این مدرسه ولیعهد روابط خود را با دوستانش گسترش داد و آنان را به اتاقش دعوت می کرد و با تنقلات ایرانی از آنان پذیرایی می کرد.<sup>[۱۳]</sup>

با وجود آنکه محمدرضا با اقامت یکساله در سوئیس به تدریج فهمیده بود که از نظر همکلاسان غیر ایرانی اش تفاوتی بین یک ولیعهد با سایر دانش آموزان وجود ندارد بازهم گاه گرفتاری های فیزیکی برای خود درست می کرد. یک آمریکایی بنام فردریک ژاکوبی که در همان مدرسه تحصیل می کرده است خاطره ای را نقل می کند که سالها بعد در مجله نیوزویک چاپ شده است. او ذکر می کند که "پهلوی" به نیمکت چند آمریکایی نزدیک می شود و با تحکم از آنان می خواهد که برخیزند و جای خود را به وی بدهند. آنان به وی خندیدند و همین باعث درگیری وی با یکی از آنان به نام چارلی چیلدز گردید و سرانجام محمدرضا تسلیم شد.<sup>[۱۴]</sup>

دوران اقامت محمدرضا در لوروزه دو ماجرای دیگر نیز برای او به ارمغان آورد. دوستی با ارنست پرون (یکی از فراشان مدرسه) یکی از این ماجراها بود. این دوستی بعدها در ایران تا مرگ ارنست پرون ادامه یافت. ماجرای دوم در حقیقت اولین ماجرای عشقی-سکسی محمدرضا را تشکیل می دهد. رابطه محمدرضا با یک مستخدمه مدرسه که به حاملگی و اخراج وی از مدرسه انجامید توسط دو تن از همکلاسان وی تأیید شده است.<sup>[۱۵][۱۶][۱۷]</sup> لیکن خود محمدرضا در این باره می گوید: تا سال ۱۹۲۶ در سوئیس به تحصیل ادامه دادم، بدون آنکه یک لحظه از توجه به آداب و سنن ملی و مذهبی خودمان غافل باشم.<sup>[۱۸]</sup>

### سطح درسی

حداقل دو منبع متفاوت (فردریک ژاکوبی و حسین فردوست) که از همکلاسان محمدرضا بوده اند سطح درسی وی را متوسط عنوان کرده اند. در عوض هر دو منبع ادعان دارند که محمدرضا از لحاظ ورزشی همواره در سطح بالا و گاه جزء قهرمانان مدرسه بوده است.<sup>[۱۹][۲۰]</sup> خود او بعدها ادعا می کند که در همه رشته های درسی بجز هندسه مسطحه نمرات ممتاز می گرفته و به اخذ جوایزی نایل آمده است.<sup>[۲۱]</sup> لیکن منبع مستقل دیگری که این ادعا را تأیید نماید یافت نشد.<sup>[۲۲]</sup>

## بازگشت به ایران

نوشتارهای اصلی: جوانی محمدرضا پهلوی و فوزیه و محمدرضا پهلوی

محمدرضا حدود یک ماه قبل از حسین فردوست و برادرش به ایران اعزام شد.<sup>[۲۳]</sup> مهرپور تیمورتاش پیش از این و در ماجرای محکومیت پدرش مجبور به ترک سوئیس شده بود.<sup>[۲۴][۲۵]</sup> محکومیت تیمورتاش اوج تنش بین رضاشاه و استالین بود. بنابراین ولیعهد برای بازگشت به تهران مسیر یونان و ترکیه را انتخاب نمود.<sup>[۲۶]</sup> محمدرضا در ۱۷ سالگی از سوئیس به ایران بازگشت و در دانشکده افسری تحصیل را ادامه داد.

در تاریخ ۱۵ مارس ۱۹۳۹ میلادی، (۱۳۱۸ خورشیدی)، محمدرضا پهلوی با شاه‌دخت فوزیه فؤاد، خواهر ملک فاروق پادشاه مصر در کاخ عابدین در قاهره، ازدواج کرد. حاصل این پیوند دختری به نام شهناز بود.<sup>[۲۷]</sup> طی این دوره از زندگی، محمدرضا به تدریج در کنار رضاشاه با فنون سلطنت و رموز سیاست آشنا می‌شد و جلسات روزانه منظمی میان آنان برقرار بود.<sup>[۲۸]</sup>

## رسیدن به سلطنت

در سوم شهریور ۱۳۲۰ کشور ایران بوسیله قوای سه کشور انگلستان، شوروی و آمریکا اشغال گردید. رضاشاه دستور مقاومت داد و فرماندهی کل قوا و مسئولیت دفاع از تهران را به ولیعهدش واگذار نمود. محمدعلی فروغی از جانب انگلستان قول مساعد برای حفظ مقام سلطنت در خانواده پهلوی را به رضاشاه داد و سرانجام در روز پنجم شهریور دستور عدم مقاومت به تمام واحدها ابلاغ شد.<sup>[۲۸]</sup>

مذاکرات میان نمایندگان اشغالگران بر سر جانشینی رضاشاه مدتی به طول انجامید. گزینه اصلی بریتانیا به غیر از محمدرضا، پسر محمدحسن میرزا نوه محمدعلی شاه قاجار (ساکن انگلستان و افسر نیروی دریایی پادشاهی بریتانیا) بود. ولی در نهایت با توافق شوروی و آمریکا، محمدرضا پهلوی را به جای پدرش به سلطنت برگزیدند. رضاشاه پهلوی توسط انگلستان از سلطنت برکنار و به جزیره موریس و سپس به آفریقای جنوبی تبعید شد.<sup>[۲۹]</sup>

## سال‌های آغازین سلطنت

از زمان شروع سلطنت توسط محمدرضا پهلوی تا ترور وی در سال ۱۳۲۷، ایران یکی از آزادترین دوران پادشاهی خود را تجربه نمود. طی این دوران، شاه از محبوبیت بیشتری (نسبت به سال‌های بعدی سلطنتش) نزد مردم برخوردار بود و در مجامع عمومی و بین مردم با کمترین محافظ تردد می‌نمود.

ماجرای طلاق فوزیه از شاه، پس از خروج فوزیه از ایران، سه سال طول کشید. فوزیه در سال ۱۳۲۴ تهران را برای همیشه ترک کرد. از سالها پیش از آن نیز روابط شاه با وی به سردی گرائیده بود.<sup>[۳۰]</sup> لذا سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷ شاه زندگی خصوصی مجردی توأم با خوشی ای را می‌گذرانید.<sup>[۳۰]</sup>

در طول این هفت سال، پست نخست وزیری چهارده بار (ولی فقط بین نه نفر) جابجا شد. نخست وزیران شاه در این دوره پایگاه مردمی محکمی نداشتند. تشکیل احزاب غیر مردمی، انتشار روزنامه کیهان و اصلاح و تشکیل گارد جاویدان به فرمان مستقیم شاه در این دوره صورت گرفت. شاه معتقد بود که غربی‌ها مایلند که شاهی ضعیف بر کشور حکومت کند.

طی این سالها، تا زمان خروج نیروهای متفقین از ایران، شاه حداکثر فقط در تهران حکومت می‌کرد. این موضوع باعث شده بود تا اقتدار پادشاهی وی به عنوان یک پادشاه به چالش کشیده شود. تا حدی که زمانی که سه مرد قدرتمند آن روزگار (چرچیل، روزولت و استالین) برای شرکت در کنفرانس تهران به تهران آمدند، چرچیل و روزولت برخلاف عرف دیپلماتیک، عملاً وی را نادیده انگاشتند و به دیدار وی نرفتند.<sup>[۳۰]</sup>

مدت کوتاهی پس از آن و در جریان پیشه‌وری و خودمختاری آذربایجان، شاه اینبار با کمک آمریکا فرصت یافت تا اقتدار از دست رفته را به خود بازگرداند. با اولتیماتوم آمریکا، شوروی دست از حمایت مستقیم پیشه‌وری برداشت و با اعتراضات مردم حکومت پیشه‌وری در آذربایجان و قاضی محمد در کردستان سقوط کرد. به گفته برخی با اصرار شاه و ارتش قاضی محمد بر خلاف نظر قوام السلطنه محاکمه و اعدام شد.<sup>[۳۰] [۳۱]</sup>

در بهمن ماه ۱۳۲۷ ماجرای ترور شاه در دانشگاه تهران اتفاق افتاد. شاه بعدها در محافل خصوصی و به طور مبهم، رزم آرا را مسئول ترور خود و هژیر معرفی می‌کرد. برخی معتقدند این ترور (با توجه به تعداد گلوله‌های شلیک شده (پنج گلوله) و ناموفق بودن آن و همچنین گلوله باران شدن ضارب توسط محافظین شاه پس از اتمام گلوله هایش!) احتمالاً توسط خود شاه تدارک دیده شده‌است. روایت رسمی این بود که یک متعصب مذهبی وابسته به حزب توده مسئول ترور بوده‌است.<sup>[۳۲]</sup>

با وقوع ماجرای ترور شاه در بهمن ماه ۱۳۲۷ سران حزب توده دستگیر یا فراری شدند و مذهبی‌ها اولین دوران زندانی و تبعید خود را تجربه کردند.<sup>[۳۳]</sup>

## شاه و ملی شدن صنعت نفت

نهضت ملی شدن صنعت نفت آنقدر در روحیه شاه اثر گذاشت که بخش عمده‌ای از کتاب پاسخ به تاریخ که پس از سقوط سلطنت نوشته‌است، را نیز به خود اختصاص داده‌است.<sup>[۳۴]</sup> در سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ مذاکراتی بین نویل گس و عباسقلی گلشائیان، وزیر دارائی دولت انجام شد و حاصل آن قراردادی بود که به قرارداد الحاقی گس-گلشائیان معروف شد. طبق این قرارداد، حق امتیاز ایران از نفت جنوب افزایش می‌یافت ولی در عین حال قرارداد اصلی یعنی قرارداد ۱۹۳۳ تغییری نمی‌کرد. شاه مایل به تصویب همین قرارداد بود ولی نمایندگانی از جبهه ملی مثل حسین مکی، مظفر بقائی و ابوالحسن حائری‌زاده از تصویب آن جلوگیری کردند.<sup>[۳۵]</sup>

به پیشنهاد جمال امامی در مجلس شورای ملی، مصدق نخست‌وزیر شد. قدرت شاه در دوره نخست‌وزیری مصدق روزبه‌روز کمتر شد. به خاطر محبوبیت مصدق و امر ملی شدن نفت، شاه نیز در ظاهر از او پشتیبانی می‌کرد ولی عملاً در برکناری او می‌کوشید. در رویداد ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ارتش به طرفداران مصدق و حزب توده تیراندازی کرد و عده‌ای کشته شدند. سرانجام بجای قرارداد گس-گلشائیان، با امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت به تصویب رسید. مجلس سنا نیز این قانون را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد.

در سال ۱۳۲۹ شاه با همسر دوم خود ثریا اسفندیاری ازدواج کرد. او فرزند یکی از خوانین بختیاری از همسری آلمانی بود.<sup>[۳۶]</sup> اولین بار، شاه به همراه فوزیه وی را زمانی که کودکی بیش نبود، ملاقات نموده بود.<sup>[۳۷]</sup> برخی از مورخین اعتقاد دارند که ثریا محبوبترین همسر شاه بوده‌است.<sup>[۳۷]</sup>

## کودتای ۲۸ مرداد



محمدرضا شاه و اشرف پهلوی در جوانی.

کودتای ۲۸ مرداد، که با طرح و حمایت مالی و اجرایی سازمان مخفی اطلاعات بریتانیا و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، علیه دولت مصدق در مرداد ۱۳۳۲ انجام شد، موجب برکناری دولت دکتر مصدق شد و محمدرضا که پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد به رم رفته بود به ایران بازگشت<sup>[۳۸]</sup> و دوران حکومت مطلقه خود را آغاز کرد.<sup>[۳۹]</sup>

### حکومت محمدرضا پهلوی

در شرایط سرکوب و خفقان پس از ۲۸ مرداد، قرارداد کنسرسیوم تصویب شد. با پایان یافتن موقت بحث نفت، شاه با روشهای گوناگونی مورد حمایت قرار گرفت. دولت آیزنهاور با ارسال کمک‌های مالی و نظامی حکومت او را تقویت کرد. «پیمان بغداد» میان کشورهای ایران، عراق، ترکیه و پاکستان منعقد شد.

شاه عملاً به تدریج به تصمیم‌گیرنده اصلی اوپک تبدیل شد. پولهای فراوان نفتی به کشور سرازیر گردید. با خروج انگلستان از خلیج فارس جزایر سه گانه مجدداً به حاکمیت ایران بازگشتند. متقابلاً بحرین (که پیش از آن عملاً تحت حاکمیت ایران نبود) رسماً از ایران جدا شد.<sup>[۴۰]</sup>

نخست وزیران این دوره، عملاً تنها آلت دست شاه بودند.<sup>[۴۱]</sup> تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور معروف به «ساواک» با کمک آمریکا و اسرائیل<sup>[نیازمند منبع]</sup> نقش مهمی در سرکوب‌ها و نیز گسترش نارضایتی داشت. دوباره انتخابات مجلس شورای ملی، همچون دوره رضاشاه، بر اساس فهرست تأییدشده توسط شاه انجام گرفت.<sup>[نیازمند منبع]</sup>

در عین حال شاه به مدرنیزه کردن ایران پرداخت و مراکز علمی و فرهنگی کشور را گسترش داد. انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی از جمله تصویب قانون اصلاحات ارضی و اعطای حق رای به زنان از مهم‌ترین فعالیت‌های حکومت وی بود.

دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، دانشگاه کلمبیا در نیویورک به شاه ایران دکترای افتخاری داد.<sup>[۴۲]</sup> شاه از ثریا که توان بچه دار شدن نداشت جدا شد و با فرح دیبا ازدواج نمود. شاه از فرح دارای دو پسر و دو دختر گردید و رضا پسر ارشد وی ولیعهد ایران شد.

### انقلاب و ترک ایران



تیتر اصلی روزنامه اطلاعات با عنوان شاه رفت

سید روح‌الله خمینی روحانی شیعه رهبری قیامی را عهده دار شد که حکومت شاه را سرنگون ساخت. این حرکت که با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شروع شد، سرانجام منجر به خروج نهایی شاه از کشور (به توصیه آمریکا) [چه کسی تأیید کرده؟] [۴۳] در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ گردید و سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام حکومتی شاهنشاهی سقوط کرد.

علل پیروزی انقلاب ایران بسته به دیدگاه تحلیلگران شامل نارضایتی مردم از حکومت شاه و مظاهر غیر اسلامی آن، [۴۴] مشکلات روحی شاه که منجر به خطاهای تصمیم‌گیری توسط وی شد [چه کسی تأیید کرده؟] [۴۵] تصمیمات غلط آمریکا در خصوص حقوق بشر در ایران [چه کسی تأیید کرده؟] [۴۶] و سرانجام قطع حمایت سران غرب در کنفرانس گوادالوپ از شاه بود. [چه کسی تأیید کرده؟] [۴۷]

## مرگ

شاه پس از خروج از کشور ابتدا مدتی را در منطقه ماند، به امید آنکه مجدداً به حکومت بازگردد. با شدت یافتن بیماری سرطان طحال، وی مجبور شد بر خلاف تمایل دولتمردان آمریکا، برای درمان پزشکی به مرکز سرطان مموریال اسلون-کترینگ در ایالات متحده آمریکا برود. با بروز بحران گروگانگیری، هیچ کشوری علاقه به پناه دادن یک سلطان بی تاج و تخت نداشت. روزنامه نیویورک تایمز او را به هلندی سرگردانی تشبیه کرد که به دنبال بندری برای پهلو گرفتن می‌گردد. شاه پس از خروج از بیمارستان ابتدا به مرکز پزشکی ویلفورد هال در پایگاه نیروی هوایی لاکلند در تگزاس، و سپس به پاناما و مکزیک سپس از آن جا به مصر رفت.

در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۹ خورشیدی (۲۷ ژوئیه ۱۹۸۰ میلادی)، محمدرضا پهلوی در سن ۶۱ سالگی، بر اثر بیماری ماکرو گلوبولینمی والدنشتروم در مصر درگذشت.

در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۵۹ خورشیدی (۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ میلادی)، پیکر وی در مسجد الرفاعی قاهره، پس از تشییع و مراسم رسمی، به امانت گذاشته شد. [۴۸] شاه ایران در وصیت‌نامه خود خواسته‌بود تا جنازه‌اش در خاک ایران دفن شود. [۴۹] [۵۰]

## اقدامات مهم شاه

### حقوق بشر و سیاست داخلی

در دوران اولیه سلطنت وی و تا پیش از کوتای ۲۸ مرداد وی مخالفت چندانی با فعالیت حزبی و سیاسی در کشور نداشت و نشریات از آزادی نسبی بر خوردار بودند. این آزادی در دوران نخست وزیری محمد مصدق به اوج خود رسید. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد تا پایان دوران سلطنت وی فعالیت جبهه ملی، حزب توده و دیگر احزاب کشور ممنوع شد و روزنامه‌ها و نشریات نیز به شدت تحت فشار و سانسور قرار گرفتند. فعالیت سیاسی به احزاب ایران نوین و ملیون (و دو حزب کوچک دیگر) محدود شد. شاه در سال ۱۳۵۳ همان دو حزب را نیز منحل و حزب رستاخیز را تاسیس کرد. وی طی سخنانی گفت که هر کس مایل نیست به عضویت حزب رستاخیز درآید یا بطور رایگان پاسپورت گرفته و از ایران برود و یا جایش در زندان است. [۵۱] [۵۲]

## انقلاب سفید

محمد رضا شاه پهلوی در ژانویه سال ۱۹۶۲ به انجام اصلاحاتی پرداخت که بعدها به طور رسمی «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» نام گرفت.

مهمترین این اصلاحات، تصویب قانون اصلاحات ارضی و اعطای حق رأی برای اولین بار در تاریخ به زنان ایرانی بود.

## سایر اقدامات

- انعقاد معاهده الجزایر و تعیین خط مرزی ایران و عراق و تثبیت حاکمیت ایران در آب‌های اروندرود
- حضور نظامی ایران در جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک
- به رسمیت شناختن استقلال بحرین
- برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران
- تغییر مبدا تاریخ ایران از هجری خورشیدی به تاریخ شاهنشاهی
- افزایش سطح قدرت نظامی ارتش ایران.<sup>[۵۳]</sup>
- مشارکت در تأسیس اوپک.<sup>[۵۴]</sup>
- توسعه نیروهای نظامی ایران.<sup>[۵۵]</sup>
- تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران
- تأسیس مجلس سنا
- رفع اختلافات مرزی در مرزها- پیمان مثلثی عراق - ترکیه - ایران
- ایجاد تاسیسات زیربنایی همچون سدها و فرودگاه‌ها و دانشگاه‌های مختلف
- تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)
- عضویت در پیمان سنتو

## شاه و زنان

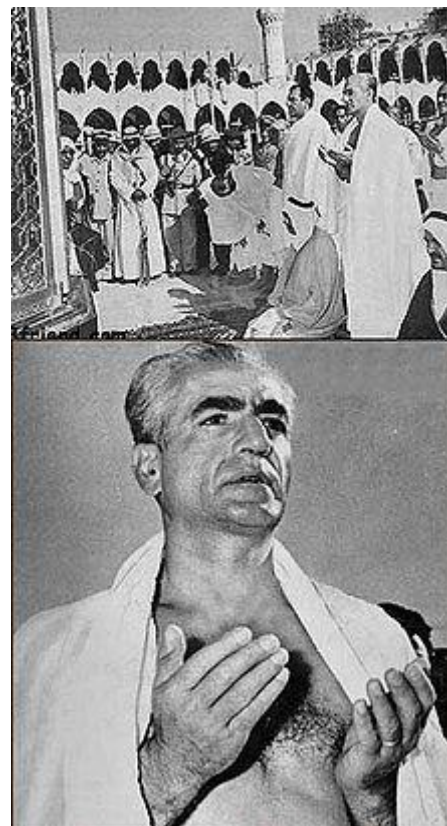
او در مصاحبه‌ای گفته‌است که در زندگی یک مرد، زن به حساب نمی‌آید مگر آنکه زیبا و دلربا باشد و هیچ زنی هرگز او را تحت تاثیر خود قرار نداده‌است.<sup>[۵۶]</sup> محمدرضا شاه در مصاحبه‌ای دیگر با باربارا والترز این مصاحبه را تحریف شده دانست.<sup>[۵۷]</sup>

تا سال ۱۹۶۳ زنان ایرانی حق شرکت در انتخابات را نداشتند. در این سال، شاه فرمانی صادر کرد که بر اساس آن به زنان نیز مانند مردان حق شرکت در انتخابات داده شد.<sup>[۵۸]</sup> با وقوع انقلاب سفید، زنان ایرانی علاوه بر حق انتخاب کردن، دارای حق انتخاب شدن نیز شدند. با احکام صادره از سوی شاه، دو زن در سنا منصوب گشته، و ۶ زن نیز با کسب آرای لازم به مجلس بیست و یکم راه یافتند. اندکی بعد فرخرو پارسا) عنوان اولین وزیر زن در تاریخ معاصر ایران را کسب نمود و در سال ۱۹۷۱، نخستین دیپلمات زن راهی الجزایر گردید.<sup>[۵۹]</sup>

«قوانین حمایت از خانواده» که چند همسری را دشوارتر می‌نمود<sup>[۶۰]</sup> و افزایش سن ازدواج قانونی زنان از ۱۳ سال به ۱۸ سال از دیگر قوانینی است که در دوره وی به تصویب رسید.<sup>[۶۱]</sup>

## دین و مذهب





محمد رضا شاه در حال انجام اعمال حج

محمد رضا مسلمان و شیعه بود. اگرچه او واجبات شخصی اسلام همچون نماز را بجا نمی‌آورد ولی عمیقا به خدا اعتقاد داشته و تا حدی نیز قضاوقدری بوده است.<sup>[۶۲]</sup> شاه خود را «یک مومن واقعی» می‌دانست.<sup>[۶۳]</sup> او بارها در کتابها و مصاحبه‌های گوناگون به مکاشفاتی اشاره می‌کند که به آن وسیله با ائمه و بزرگان مذهبی در ارتباط بوده است و خود و سلطنتش را تحت حمایت آنان می‌دیده است.<sup>[۶۴]</sup> به طور مثال، او از شفا یافتنش از بیماری حصبه به دست علی در خواب، نجات از مرگ به دست عباس ابن علی پس از افتادن از اسب در امامزاده داوود و «برخورد با امام غایب در نزدیکی کاخ تابستانی شمیران» نام می‌برد.<sup>[۶۵]</sup>

او روش رضاشاه را در قلع و قمع روحانیت شیعه در پیش گرفت و به آنان (همچون سید حسین طباطبایی بروجردی) احترام می‌گذاشت. ولی پس از مرگ بروجردی و مرجعیت خمینی فاصله شاه با روحانیت زیاد شد.<sup>[۶۶]</sup> مخالفت خمینی و روحانیون با لویج ششگانه انقلاب سفید شاه در سال ۱۳۴۲ سراغاز این فاصله بود که درگیری‌های شدیدی در قم، تهران و چند شهر دیگر و در نهایت در سال ۵۷ پیروزی انقلاب به رهبری ایشان را منجر شد.<sup>[۶۷]</sup> هشت ماه حبس خانگی و به دنبال آن تبعید چهارده ساله خمینی از ایران هم از اقدامات شاه در این دوره بود.<sup>[نیازمند منبع]</sup>

احمد خمینی در این باره می‌گوید: «عمده آخوندها تا دهه ۱۳۵۰ غیر سیاسی بودند، نه با شاه مخالفت می‌کردند و نه آشکارا پشتیبان او بودند اما ناگهان به انقلاب پیوستند زیرا رژیم در رویایی با فساد اخلاقی و زدودن خیابان‌ها از بی بند و باری شکست خورده بود.»<sup>[۶۸]</sup>

برخی از روحانیون منجمله خمینی، مطهری، منتظری و بهشتی از مخالفین سرسخت محمدرضا شاه بودند.<sup>[۶۹]</sup>

## سوءقصدها

محمدرضا پهلوی بار دیگر در ۲۱ فروردین سال ۱۳۴۳ در برابر پله‌های کاخ اختصاصی مورد سوءقصد یکی از سربازان وظیفه‌گارد جاویدان قرار گرفت. این فرد به نام «شمس‌آبادی» ابتدا با مسلسل بطرف شاه شلیک کرد و وقتی دید که هیچیک از گلوله‌هایش به شاه برخورد نکرده‌است، قصد داشت خشاب دیگری را به سوی وی شلیک کند که با دخالت دو نفر از محافظان گارد، متوقف شد. محرک اصلی وی فردی به نام «پرویز نیکخواه» بود که بعدها به عضویت ساواک درآمد.<sup>[۷۰]</sup>

## کتاب‌شناسی

- انقلاب سفید
- به سوی تمدن بزرگ
- مأموریت برای وطنم
- پاسخ به تاریخ

## جُستارهای وابسته

- تبارنامه دودمان پهلوی
- سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی

## پانویس‌ها

- ↑ گفت و گوی جمشید برزگر، هوشنگ نهبانندی و عباس میلانی، بی‌بی‌سی فارسی
- ↑ از سوادکوه تا ژوهانسبورگ. نجفقلی پسین و خسرو معتضد. ( ISBN ۹۶۴-۶۴۰۴-۲۰-۰ ) و ( IEN ۹۷۸۹۶۴۶۴۰۴۲۰۵ ) انتشارات ثالث ۱۳۷۸ تهران
- ↑ چهره‌ها در آینه (من و برادرم). خاطرات اشرف پهلوی. نشر علم. ۱۳۷۶ تهران
- ↑ <sup>۴۰۰</sup> ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. انتشارات اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
- ↑ Institut Le Rosey
- ↑ من و برادرم. چهره‌ها در آینه. اشرف پهلوی. محمود طلوعی. نشر علم. تهران. ۱۳۷۶
- ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
- ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
- ↑ ماموریت برای وطنم. محمدرضا پهلوی
- ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
- ↑ من و برادرم. چهره‌ها در آینه. اشرف پهلوی. محمود طلوعی. نشر علم. تهران. ۱۳۷۶
- ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
- ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹

۱۴. ↑ مجله نیوزویک. تاریخ انتشار ۲۰ فوریه ۱۹۴۹
۱۵. ↑ مجله نیوزویک. تاریخ انتشار ۲۰ فوریه ۱۹۴۹
۱۶. ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
۱۷. ↑ پهلوی استوری. اینگه بیهان. احمد مرعشی. ۹۶۴-۶۸۱۸-۲۱-۸ بشیر علم و ادب. ۱۳۷۹
۱۸. ↑ ماموریت برای وطنم. **محمد رضا پهلوی**
۱۹. ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
۲۰. ↑ مجله نیوزویک. تاریخ انتشار ۲۰ فوریه ۱۹۴۹
۲۱. ↑ ماموریت برای وطنم. **محمد رضا پهلوی**
۲۲. ↑ پهلوی استوری. اینگه بیهان. احمد مرعشی. ۹۶۴-۶۸۱۸-۲۱-۸ بشیر علم و ادب. ۱۳۷۹
۲۳. ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
۲۴. ↑ شکست شاهانه. ماروین زونیس. عباس مخبر. طرح نو. تهران ۱۳۷۰
۲۵. ↑ من و برادرم. چهره‌ها در آینه. اشرف پهلوی. محمود طلوعی. نشر علم. تهران. ۱۳۷۶
۲۶. ↑ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی. حسین فردوست. اطلاعات. تهران. ۱۳۶۹
۲۷. ↑ فوزیه. خسرو معتضد. نشر البرز. ۱۳۷۵
۲۸. ↑ شترها باید بروند. سر ریدر بولارد. حسین ابوترابیان. نشر نو. ۱۳۶۲
۲۹. ↑ شترها باید بروند. سر ریدر بولارد. حسین ابوترابیان. نشر نو. ۱۳۶۲
۳۰. ↑ شکست شاهانه. ماروین زونیس. عباس مخبر. طرح نو. زمستان ۱۳۷۰
۳۱. ↑ قاضی محمد تجزیه طلب نبود، انگلیسی‌ها او را کشتند نه قوام السلطنه! اخبار روز (در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۸۶).
۳۲. ↑ شکست شاهانه. ماروین زونیس. عباس مخبر. طرح نو. زمستان ۱۳۷۰
۳۳. ↑ دوران مبارزه. اکبر هاشمی رفسنجانی. زیر نظر محسن هاشمی. ( ISBN ۹۶۴-۹۱۵۴۳-۱-۰ ) دفتر نشر معارف انقلاب. ۱۳۷۶
۳۴. ↑ پاسخ به تاریخ. محمد رضا پهلوی. حسین ابوترابیان.
۳۵. ↑ نفت و نطق مکی. حزب ایران. حسین مکی. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۵۷. تهران
۳۶. ↑ کاخ تنهایی. ثریا اسفندیاری بختیاری. نادعلی همدانی. تهران ۱۳۷۱. ناشر=مترجم
۳۷. ↑ شکست شاهانه. ماروین زونیس. عباس مخبر. طرح نو. زمستان ۱۳۷۰
۳۸. ↑ عملیات چکمه. سی. ام. وودهاوس. فرحناز شکوری. نشر نور. ۱۳۶۷. تهران (عنوان اصلی: Sometings Ventured) ۱۹۸۲ لندن
۳۹. ↑ گفتگوهای من با شاه. امیراسدالله علم. جلد اول. طرح نو. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ۱۳۷۳
۴۰. ↑ گفتگوهای من با شاه. امیراسدالله علم. جلد اول. طرح نو. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ۱۳۷۳
۴۱. ↑ معمای هویدا. عباس میلانی. نشر اختران. ( ISBN ۹۶۴-۹۳۱۷۰-۷-۴ ) تهران ۱۳۸۰
۴۲. ↑ ایرانیان دات کام
۴۳. ↑ ماموریت در ایران. ویلیام سولیوان. محمود طلوعی. نشر علم. تهران
۴۴. ↑ دوران مبارزه. اکبر هاشمی رفسنجانی. زیر نظر محسن هاشمی. ( ISBN ۹۶۴-۹۱۵۴۳-۱-۰ ) دفتر نشر معارف انقلاب. ۱۳۷۶
۴۵. ↑ شکست شاهانه. ماروین زونیس. عباس مخبر. طرح نو. زمستان ۱۳۷۰
۴۶. ↑ ماموریت در ایران. ویلیام سولیوان. محمود طلوعی. نشر علم. تهران

۴۷. ↑ پاسخ به تاریخ. محمدرضا پهلوی. حسین ابوترابیان.
۴۸. ↑ بازتاب مسائل داخلی ایران در اسناد آرشیو ملی بریتانیا (۴)، رادیو زمانه
۴۹. ↑ BBC فارسی - ایران - نگرانی دولت بریتانیا از ورود شاه ایران
۵۰. ↑ آخرین سفر شاه. ویلیام شوکراس. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. نشر البرز ۱۳۷۰. تهران
۵۱. ↑ حزب رستاخیز و سقوط نهایی رژیم پهلوی. موسسه مطالعات تاریخ ایران.
۵۲. ↑ نه شیطان بزرگ، نه فرشتهٔ نجات. ایران امروز (در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۸۲).
۵۳. ↑ the Iranian Revolution Moghadam Camb. J. Econ.. An historical interpretation of ; ۱۹۸۸  
۴۱۸-۴۰۱: ۱۲
۵۴. ↑ خون و نفت. منوچهر فرمانفرماییان. مهدی حقیقت خواه. ققنوس. ( ISBN ۹۶۴-۳۱۱-۱۴۹-۰) تهران ۱۳۷۷
۵۵. ↑ افتتاح نخستین پایگاه هوایی ایران پس از انقلاب (بی‌بی‌سی فارسی)
۵۶. ↑ مصاحبه با تاریخ. اوریانا فالاجی. پیروز ملکی. امیرکبیر. ۱۳۵۷. تهران
۵۷. ↑ May ۲, ۲۰۰۴, The Last Empress, interview, cited in Elaine Sciolino Walters Barbara
۵۸. ↑ Hammed Shahidian. *Politics in the Islamic Republic Women in Iran: Gender*
- ۴۳-۴۲. pp. ۹۷۸۰۳۱۳۳۱۴۷۶۶, ۴-۳۱۴۷۶-۳۱۳-۰. ISBN ۲۰۰۲ Group, Greenwood Publishing
۵۹. ↑ Hammed Shahidian. *Politics in the Islamic Republic Women in Iran: Gender*
۴۳. pp. ۹۷۸۰۳۱۳۳۱۴۷۶۶, ۴-۳۱۴۷۶-۳۱۳-۰. ISBN ۲۰۰۲ Group, Greenwood Publishing
۶۰. ↑ مصاحبه با تاریخ. اوریانا فالاجی. پیروز ملکی. امیرکبیر. ۱۳۵۷. تهران
۶۱. ↑ *Woman's Journey Through the Islamic Republic of Iran Neither East Nor West: One*
- ۱۵۷pp. ۹۷۸۰۶۷۱۰۲۷۵۶۸, ۵-۰۲۷۵۶-۶۷۱-۰. ISBN ۲۰۰۱ and Schuster, Christiane Bird. Simon
۶۲. ↑ گفتگوهای من با شاه. امیراسدالله علم. جلد اول. طرح نو. عبدالرضا هوشنگ مهدوی. ۱۳۷۳
۶۳. ↑ پهلوی، محمدرضا. «فصل ۴: پدرم، رضاشاه کبیر». *پاسخ به تاریخ*. ترجمهٔ حسین ابوترابیان. چاپ اول، تهران: ۱۳۷۱، ص ۷۸.
۶۴. ↑ مصاحبه با تاریخ. اوریانا فالاجی. پیروز ملکی. امیرکبیر. ۱۳۵۷. تهران
۶۵. ↑ پهلوی، محمدرضا. «فصل ۴: پدرم، رضاشاه کبیر». *پاسخ به تاریخ*. ترجمهٔ حسین ابوترابیان. چاپ اول، تهران: ۱۳۷۱، صص ۸۰-۸۱.
۶۶. ↑ نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، باقر عاقلی، انتشارات جاویدان، چاپ ۱۳۷۰، صفحه ۹۴۳-۹۴۷
۶۷. ↑ نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار، باقر عاقلی، انتشارات جاویدان، چاپ ۱۳۷۰، صفحه ۹۴۳-۹۴۷
۶۸. ↑ آبراهمیان/یرواند - ایران بین دو انقلاب ص ۵۸۴
۶۹. ↑ روحانیت، مقابل حاکمیت :: جلال افشار
۷۰. ↑ بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمدرضاشاهی. ناصر نجمی. انتشارات انیشتین. ۱۳۷۳. تهران

## منابع

- عظیمی، فخرالدین. *بحران دموکراسی در ایران*. تهران: نشر البرز ۱۳۷۲
- سفری، محمدعلی. *قلم و سیاست*. تهران: نشر نامک، ۱۳۷۱